

## بررسی مسئله خط دیورند

Noor Ahmad Khalidi



سه‌شنبه ۳۰ اکتبر ۲۰۱۸

دوکتور نوراحمد خالدی

۳۰ اکتبر ۲۰۱۸ م

### ۱. پیشگفتار

در این روزها یکبار دیگر مسئله خط دیورند هم در پاکستان و هم در افغانستان سر زبانها افتاد. یکی از سدناتوران امریکایی پیشنهاد کرده تا کمکهای امریکا به افغانستان مشروط به شناختن رسمی خط دیورند به عنوان سرحد افغانستان با پاکستان از جانب دولت افغانستان گردد. چندی قبل دولت پاکستان تصمیم گرفت مناطق قبایلی را ضمیمه ایالت خیبر پختونخوا، که از زمان هند برطانوی تا سالهای اخیر ایالت شمال غربی نام داشت، نموده و بدین طریق مناطق مذکور را رسماً ضمیمه خاک پاکستان نماید. پارلمان پاکستان اخیراً یک لایحه را تصویب کرد که طبق آن مناطق قبایلی آنطرف خط دیورند با ایالت خیبر پختونخواه منضم می شود. فاتا FATA یا فدرالی ادمنسترد تراپیل ایریاز [i] (مناطق قبایلی) در حقیقت مناطقی اند که بر اساس معاهده دیورند اداره امور امنیتی و اداری آنرا دولت هند برطانوی به عهده گرفت بدون آنکه شامل قلمرو های هند برطانوی گردند. بعد از ایجاد پاکستان این مناطق از نظر حقوقی خارج قلمرو رسمی ایالات متشکله پاکستان (ایالات شامل قلمروهای هند برطانوی سابقه) باقیماندند چون پاکستان تنها وارث قلمروهای مربوطه هند برطانوی گردید اما اداره این مناطق توسط دولت فدرال پاکستان مانند زمان استعمار بریتانیا همچنان ادامه یافت.

در آنطرف خط دیورند اعضای حزب جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا فضل الرحمن و حزب پشتونخوا ملی عوامی به رهبری محمود خان اچکزی از اشتراک در نشست پارلمان پاکستان خود داری کردند. وزارت سرحدات اقوام و قبایل افغانستان انضمام مناطق قبایل به ایالت خیبرپختونخواه پاکستان را اقدام یکجانبه خوانده رد کرد. طبق اخبار نشر شده معین وزارت اقوام و قبایل افغانستان به رادیو آزادی گفت که اسلام آباد در این اقدام خود نظر مردم قبایل را نگرفته و ضمن تلاش های خود برای به رسمیت شناسی خط دیورند گام برداشته است. محمد یعقوب احمدزی شب گذشته به رادیو آزادی گفت که اسلام آباد باید در مورد سرنوشت قبایل طبق پروتوکول با حکومت افغانستان مشوره می کرد. موصوف اظهار داشت "موقف ما این است که به اقوام و قبایل حق داده شود. این اقوام نمی خواهند که سیستم خود را با پختونخواه شریک سازند، یا به مناطق ایشان اردویا پولیس بیاید. آنها می خواهند که با سیستم سابق خود که قبایل آزاد اند آزادی خود را حفظ کنند."

یکبار دیگر نظریات متضاد در باره خط دیورند و موقف امروزی آن موضوع داغ تفسیر های سیاسی رسانه ها در افغانستان گردید. در این مقاله کوشش بعمل می آید برای روشنی اذهان عامه موضوع برویت اسناد بصورت عینی مورد بررسی قرار بگیرد.

برخی از برداشتها و سوالاتی راکه در مورد معاهده دیورند دوستان فیسبوکی طرح کرده اند چنین میتوان جمع بندی کرد:

• در زمان حکمروایی عبدالرحمن خان، افغانستان یک کشور آزاد و مستقل نبود. آیا حکام یک کشور اشغال شده صلاحیت قانونی امضای قرارداد مانند موافقتنامه خط دیورند را دارند؟

• آیا این ادعا که هدف معاهده دیورند در زمان انعقاد تعیین خط سرحدی میان افغانستان و هند برطانوی بوده و با ایجاد دولت پاکستان به مثابه وارث قلمروهای هند برطانوی در غرب نیمقاره هند خط دیورند اکنون سرحد شناخته شده بین المللی پاکستان و افغانستان را تشکیل میدهد درست است؟

• در تلویزیونها اسنادی را نشان داده اند که گویا زمامداران پشتون بشمول امان الله خان خط دیورند را برسمیت شناخته اند، شما در این مورد چه نظر و اسناد میتوانید ارائه کنید؟

• آیا ادعای احمد سعیدی درست است که گویا مطابق به مواد ۶۹ و ماده ۷۴ منشور سازمان ملل متحد معاهده دیورند تابع زمان است و چون بیش از صد سال از آن گذشته یک موضوع حل شده میباشد؟ [ii]

• برعکس فوق، آیا ادعای کسانی که میگویند معاهده دیورند بعد از صد سال قابل تجدید نظر است درست است؟

• موقف رسمی و غیر رسمی دولت افغانستان در مورد خط دیورند چیست؟

• موقف پاکستان، رسمی و غیر رسمی، در مورد خط دیورند چیست؟

• هرگاه اختلاف افغانستان و پاکستان بالای خط دیورند به یک حکمیت بین المللی ارجاع شود آیا شانس پیروزی موقف افغانستان موجود است؟

• آیا به رسمیت شناختن خط دیورند میتواند تضمین کننده توقف مداخله پاکستان در افغانستان باشد؟

- آیا با به رسمیت شناختن خط دیورند وسیله یک فشار بر دولت پاکستان را از دست نخواهیم داد؟
  - آیا طرح کنندگان موضوع خط دیورند، واقعا به این عقیده اند که به رسمیت شناختن این خط حلال مشکلات موجود در کشور است؟ و یا اینکه در زیرکاسه انها نیم کاسه قرار دارد؟
  - آیا "فتوای حقوقی"، ساخته آقای غلام محمد محمدی، شخصیت تنظیمی شورای نظار، در مورد خط فرضی دیورند، که به نفع پاکستان صادر نمودند، به مثابه "خیانت ملی" تلقی نمیگردد؟
  - موضوع معاهده خط دیورند با مسئله شناخت حق مردمان پشتون و بلوچ آنطرف خط دیورند در تعیین سر نوشت شان چه ارتباط دارد؟
  - آیا پشتون های پاکستانی خواهان متصرف شدن سرزمین شان توسط افغانستان هستند؟
  - یکتعداد پشتونهای آنطرف خط دیورند از موقف پاکستان در موضوع حمایت میکنند شما در این مورد چه میگویید؟
  - آیا بخاطر عقد معاهده دیورند میتوان امیر عبدالرحمان خان را وطن فروش نامید؟
- در اینجا هدف از بررسی موضوع معاهده خط دیورند دانستن بهتر خود معاهده دیورند و موقف موجوده آن است. در این مقاله کوشش میگردد تا جای امکان به سوالات فوق برویت اسناد معتبر پاسخ داده شود.

## 2. سابقه تاریخی

وقتی موننتیویارت الفونستون به عنوان نماینده سیاسی استعمارگران انگلیسی در سال 1809م بدربار شاه شجاع پادشاه افغانستان در پایتخت زمستانی او در پشاور مشرف شد تا یک معاهده اتحاد بر ضد تجاوز احتمالی ناپلیون با موصوف امضاً کند قلمروهای سلطنت کابل تا کشمیر، پنجاب و سند امتداد داشت (الفونستون، گزارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس) [iii]. در آنزمان دولت افغانستان یک تهدید بالقوه در برابر گسترش سلطه استعماری بریتانیا در نیمقاره هندوستان محسوب میگردید. قابل یادآوری است که مهاراجه های هندوستان در سالهای اخیر قرن هژدهم از زمانشاه پادشاه افغانستان طلب کمک کرده بودند و حاضر شده بودند مصارف قوای افغانی را برای بیرون راندن انگلیسها از هندوستان بپردازند (مراجعه شود به کتاب محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران در قرم ۱۹، چاپ تهران). از این جهت انگلیسها برای تضعیف دولت افغانستان با رنجیت سنگ در پنجاب همکاری نمودند تا رنجیت سنگ یک دیوار باشد تا افغانها نتوانند به مردم هند در مقابل انگلیسها کمک نمایند. موجودیت چنین یک دیوار به انگلیسها موقع داد تا اول تمامی مناطق هند جنوبی را در تحت کنترل آورده پس از آن دیوار رنجیت سنگ را که هر دو طرف دشمن درانتظارش بودند از بین برده خود در مقابل یک دولت ضعیف شده در کابل قرار بگیرند.

بر این اساس از سال 1818م به بعد اول در نتیجه تجاوزات مسلحانه رنجیت سنگ (1818-1838م) [iv] و متعاقباً تجاوزات انگلیسها طی جنگهای متعدد منجمله جنگ اول افغان و انگلیس (1838-1842م) و جنگ دوم افغان و انگلیس (1879-1882م) مناطق و قلمروهای دولت افغانستان در دو طرف دریای سند از طریق جنگ و تحمیل معاهدات استعماری (معاهده جمرود 1855م در زمان امیردوست محمد خان [v] و متعاقباً معاهده گندمک 1879م با امیر محمد یعقوب خان [vi]) از پیکر افغانستان جدا گردیدند. (به این ارتباط لازم به یادآوری است که معاهده سه جانبه 26 جون سال 1838م شاه شجاع با رنجیت سنگ و انگلیسها در لاهور و توافق او در واگذاری قلمروهای متبوعه افغانستان در پنجاب به رنجیت سنگ فاقد اعتبار است زیرا موصوف در آن زمان امیر و یا شاه برحال افغانستان نبود و این توافق را به عنوان زعیم خانواده سدوزایی عقد کرده بود نه پادشاه افغانستان. [vii])

### 3. عقد معاهده دیورند

#### ۳-۱ دلایل عقد معاهده دیورند:

بعد از ختم جنگهای دوم افغان و انگلیس در سال 1882م مناطق زیادی از چترال در شمال تا چمن در جنوب در دست قوای متجاوز انگلیس قرار داشت که خارج از حدود قلمروهای رسمی هند برطانوی بودند. از انجاییکه حوزه های نفوذ دولت های افغانستان و هند برطانوی در مناطق سرحدی واضح نبودند برای جلوگیری از بروز اختلافات میان جانبین معاهده دیورند در دوازدهم نوامبر سال 1893م میان امیر عبدالرحمن خان و سر هنری مورتمر دیورند (Sir Mortimer Durand) وزیر خارجه دولت هند برطانوی در کابل به امضا رسید. در آن زمان مطابق به معاهده تحمیلی استعماری سال 1879م گندمک افغانستان در اجرای امور سیاست خارجی خود وابسته به هند برطانوی بود.

#### ۳-۲ هدف عقد معاهده دیورند:

معاهده دیورند حوزه های نفوذ دو دولت را بالای قبایلی که در غرب دریای سند از چترال تا بلوچستان زندگی میکردند تعیین میکند. این مناطق از یکطرف در نتیجه تجاوزات رنجیت سنگ و انگلیسها از حیطة نفوذ دولت افغانستان خارج گردیده بود اما در عین زمان از لحاظ اداری رسماً شامل قلمروهای هند برطانوی (1935م) نیز نبودند. ایالت سرحدی شمالغرب در سال 1849م ایجاد گردید و بر اساس معاهده دیورند مناطق آزاد قبایلی (چترال، سوات، دیر، باجور، خیبر، کرم و زیرستان) که بدون سرنوشت بودند از سال 1893م به بعد به مثابه مناطق حایل میان قلمروهای هند برطانوی و قلمروهای دولت افغانستان تحت نفوذ امنیتی هند برطانوی قرار گرفتند بدون آنکه از لحاظ اداری رسماً شامل قلمروهای هند برطانوی گردند.

سوال اساسی اینجاست که آیا خط دیورند سرحد رسمی بین المللی میان افغانستان و پاکستان است؟ برویت اسناد از خود منابع انگلیسی بخصوص با تایید شخص دیورند هدف معاهده دیورند تعیین خط سرحدی میان افغانستان و هند برطانوی نبوده بلکه هدف آن تعیین حدود نفوذ این دو بالای اقوام ساکن مناطق قبایلی غرب دریای سند بود که تا امروز اکثر این مناطق بنام مناطق آزاد قبایلی یاد میگردند. مهمتر از همه اینکه شخص خود سر هنری مورتمر دیورند که در سال 1893 وزیر خارجه دولت هند برطانوی بود و معاهده دیورند را با امیر عبدالرحمن خان امضا کرد و معاهده بنام او معروف است این نظر را تایید میکند، دیورند در یک مصاحبه در سال 1897 با ایشیاتیک کوارترلی جورنال می گوید: "اقوامی را که در طرف هندوستان واقع شده اند نباید در محدوده قلمرو دولت هند برطانوی قلمداد کنیم. آنها صرفاً، تا جاییکه به امیر مربوط است، در زیر نفوذ ما به معنی تخنیک کلمه قرار دارند، آنها تا جاییکه خودشان به این نفوذ تن در دهند و یا ما این نفوذ را تحمیل کنیم". [viii] همچنان دایره المعارف بریتانیکا مینویسند که "معاهده سال 1893 دیورند مناطق نفوذ دولت هند برتانوی و دولت افغانستان را برای تطبیق قانون مشخص میکند و هرگز به عنوان یک سرحد بین المللی بطور دیجوره مد نظر نبوده است." [ix]

### ۳-۳ مدت اعتبار معاهده دیورند:

بر اساس تعامل دولت انگلستان، معاهدات با امیران افغانستان معاهدات شخصی با امیر مربوطه از طرف دولت هند برطانوی پنداشته شده و با مرگ امیر و یا عزل او این معاهدات از اعتبار خارج بودند. برای همین منظور اگر دولت هند برتانوی تمدید میعاد معاهده را مطابق به منافع خود میدید ناگذیر به تعهد رسمی امیر جدید نیاز داشت. به همین دلیل بعد از وفات امیر عبدالرحمان خان انگلیسها تعهد امیر حبیب الله خان را برای تمدید اعتبار معاهده دیورند در سال 1905 م گرفتند و بعد از کشته شدن او توافق امیر امان الله خان را در مورد ادامه اعتبار معاهده دیورند در معاهده هشتم آگست سال 1919 م راولپندی بدست آورده اعلان کردند که با استقلال کامل افغانستان در امور خارجی خود تمام معاهدات قبلی با امیران افغانستان منسوخ و از اعتبار خارج میگردند.

طوریکه گفته شد بعد از وفات امیر عبدالرحمان خان پسر او امیر حبیب اله خان در سال 1905 م تعهد پدر خود را در مورد معاهده دیورند تأیید میکند. در معاهده 1905 که توسط امیر حبیب اله خان امضا شد "ادامه معاهدات میان امیر عبد الرحمان خان و دولت هند برطانوی" تأیید شده و در پاراگراف دوم گفته میشود که "من مطابق به این معاهدات عمل کرده ام، عمل میکنم، و عمل خواهم کرد و در هیچ معامله با آنها مخالفت نخواهم کرد."

متعاقب او دولت امیر امان الله خان تعهد امیر حبیب اله خان به ارتباط خط دیورند را در معاهده آتش بس هشتم آگست سال 1919 م راولپندی دوباره تأیید کرد. اما برویت مکتوب سر الفرد همیلتون گرانت گرانت وزیر خارجه دولت هند برطانوی و رییس هیأت انگلیس [x] که به حیث ضمیمه دوم معاهده رسماً عنوانی

علی احمد خان رییس هیات افغانی [xi] نوشته شده تمام معاهدات قبلی امیران افغانستان با دولت هند برطانوی فسخ شده اعلان گردیدند.

### ۳-۴ موافقتنامه 8 اگست سال 1919 راولپندی

معاهده راولپندی در ذات خود یک معاهده موقتی آتش بس بود و قرار بود بعداً به امضای یک معاهده دوستی میان دوطرف در کابل به انجامد. بعد از توافق بالای متن معاهده راولپندی رییس هیات افغانی علی احمد خان اعتراض میکند که در مسوده معاهده هیچ اشاره به استقلال افغانستان نشده است. در مقابل سر الفرد همیلتون گرانت وزیر خارجه دولت هند برطانوی و رییس هیات انگلیسی در مکتوبی عنوانی علی احمد خان رییس هیات افغانی که به حیث ضمیمه شماره دوم رسماً به معاهده اضافه شد مواد آتی را تأیید میکند که با امضاء معاهده آتش بس راولپندی در 8 اگست سال 1919:

• انگلستان آزادی افغانستان را در اجرای امور داخلی و خارجی خود برسمیت شناخته؛

• سبسی یا کمک پولی دولت انگلستان به افغانستان خاتمه یافته؛

• تمام معاهدات قبلی امیران افغانستان با دولت هند برطانوی فسخ شده اعلان گردیدند؛ و

• واردات اسلحه توسط افغانستان از طریق هندوستان ممنوع اعلان شد.

سر الفرد همیلتون گرانت ( Foreign Secretary of the Government of India 1914-1919 ) وزیر خارجه دولت هند برطانوی رییس هیات انگلیسی در مذاکرات صلح راولپندی بود و ریاست هیات افغانستان را **علی احمد خان** (پسر کاکای امان اله خان) به عهده داشتند. یکتعداد نویسندگان منجمه لویی دوپری معتقد اند که گرانت به عنوان یک دیپلمات کارگشته قادر شد از علی احمد خان امتیازات بگیرد. . بخصوص پشتونهای مناطق غرب دریای سند با این توافق راضی نبودند. حتی گفته میشود که امان اله خان با مفاد این توافق کاملاً خوشنود نبود و علی احمد خان را از وظیفه اش برکنار کرد و از خسر خود محمود طرزی خواست تا منبهد ریاست مذاکرات با انگلیسها را بگیرد. **علی احمد خان** سرنوشت نافرجامی دارد و به امرامیر حبیب اله کلکانی در سال 1929 در کابل به توپ پرانده و اعدام شد. در ماده پنجم موافقتنامه راولپندی معاهده دیورند "طوریکه از جانب امیر متوفی قبول شده بود" باز هم تایید میگردد (Historical Dictionary of Afghanistan, p 465, Ludwig W. Adamec.).

باید بخاطر آورد که معاهده راولپندی زیر تهدیدهای شدید دولت هند برطانوی به امضای رسید. **تهدید های انگلستان در مذاکرات راولپندی شامل اقدامات آتی بود:**

• اشغال جلال آباد؛

• ادامه کنترل سیاست خارجی توسط برطانیه؛

• قطع راههای تجارتی افغانستان؛ و

• قبولی برطانیه به مثابه دولت برتر و ترجیحی در تمام روابط خارجی.

### ۳-۵ کنفرانس میسوری هند 17 اپریل تا 18 جولای 1920

معاهده راولپندی در ذات خود یک معاهده موقتی آتش بس بود و تمام مسایل مورد اختلاف جانبین را نتوانست احتوا نماید. در حقیقت برای رسیدگی به این مسایل یک کنفرانس در میسور میان نماینده گان دولت افغانستان، بریاست محمود طرزی وزیر خارجه و خسر امان اله خان، و دولت هند برطانوی دایر شد که بکدام نتیجه نرسید.

قبایل آنطرف خط دیورند معاهده اگست سال 1919 را به مثابه یک معاهده آتش بس نگریسته و انتظار داشتند هرگاه انگلیسها به تقاضاهای دولت افغانستان گردن ندهد جنگ دوباره آغاز شود.

در حقیقت برای رسیدگی به این تقاضاها یک کنفرانس در میسور میان نماینده گان دولت افغانستان، بریاست محمود طرزی وزیر خارجه و خسر امان اله خان، و دولت هند برطانوی دایر شد که بکدام نتیجه نرسید.

### ۳-۶ معاهده سال 1921م کابل میان دولتهای انگلستان و افغانستان

معاهده 22 نوامبر سال 1921 میان دولتهای انگلستان و افغانستان (Anglo-Afghan Treaty) of [xii] اولین معاهده ایست که میان دولت افغانستان و دولت برطانیه انعقاد مییابد. تمام معاهدات قبلی میان دولت هند برطانوی و امیران افغانستان منعقد میگردید نه با دولت افغانستان و از همین لحاظ از جانب انگلستان این ها معاهدات شخصی با امیران افغانستان تلقی شده و با عزل یا مرگ امیران منتفی تلقی میگردیدند. هدف انگلیسها از این پالیسی آن بود که خود را مقید به هیچ معامله قبلی ندانسته با رویکار آمدن هر امیر جدید نظر به تقاضای وقت امتیازات بیشتری کسب کنند.

ماده دوم معاهده سال 1921 کابل تعهد ماده پنجم معاهده راولپندی را در مورد خط دیورند تأیید مینماید. اما مطابق به ماده چهاردهم، معاهده مذکور موقتی بوده صرف برای سه سال اعتبار داشت و طرفین با اطلاع قبلی یکساله میتوانند آنرا ملغی اعلان کنند. [xiii] بر همین اساس در ماه جون سال ۱۹۲۵م لارڈ بیرکنهد وزیر مستعمرات بریتانیا (Lord Birkenhead in a memorandum circulated in June 1925) بعد از ختم سه سال از معاهده ۱۹۲۱م کابل طی یک یادداشت رسمی به پارلمان انگلستان تأیید میکند که "این معاهده برای سه سال اعتبار داشت و اکنون بعد از گذشت سه سال این معاهده از جانب طرفین با ارائه یکسال یادداشت قبلی قابل فسخ میباشد" [xiv].



### ۳-۷ آیا معاهده دیورند هنوز هم مورد اعتبار است؟

قبلاً توضیح گردید که معاهده دیورند با وفات امیر عبدالرحمان خان از اعتبار افتاد و زیر فشار انگلیسها امیر حبیب الله خان ناگزیر به تعهد اعتبار آن در سال ۱۹۰۵م گردید که با مرگ وی این تعهد در سال ۱۹۱۹م نیز از اعتبار ساقط میشود و انگلیسها تمدید اعتبار آنرا در توافق آتش بس ۸ اگست ۱۹۱۹م راولپندی می‌کنجاند. متعاقباً معاهده موقت سه ساله ۱۹۲۱ کابل جانشین معاهده راولپندی میگردد. دولتهای بریتانیا و افغانستان تا سال 1949م به تطبیق معاهده سال 1921م کابل وفادار باقی بودند تا اینکه بعد از ایجاد دولت پاکستان و بخصوص در اعتراض به بمباران قسمتهایی از ولایت پکتیا توسط پاکستان، دولت افغانستان در لویه جرگه سال 1949م دولت افغانستان تمام معاهدات با دولت هند برطانوی را ملغی اعلام کرد. در همان وقت نماینده افغانستان کوشید تا موضوع در شورای امنیت ملل متحد مطرح گردد اما با مخالفت امریکا از طرح آن جلوگیری شد. بنابر آن با تطبیق ماده چهاردهم معاهده سال ۱۹۲۱ کابل دولت افغانستان این معاهده را ملغی اعلان نموده و بر این اساس میعاد اعتبار معاهده دیورند و توافقهایی مربوطه بعدی خاتمه مییابد.

ادعای احمد سعیدی که گویا مطابق به مواد ۶۹ و ماده ۷۴ منشور سازمان ملل متحد معاهده دیورند تابع زمان است و چون بیش از صد سال از آن گذشته یک موضوع حل شده میباشد یک ادعای کاملاً غلط و بی بنیاد است. در مواد مذکور و هیچ ماده و بخش دیگر منشور سازمان ملل متحد آن چه که آقای احمد سعیدی در مورد میعاد معاهدات بین المللی ادعا میکند وجود ندارد. آقای سعیدی این مواد را شخصاً خوانده و یا اینکه از دیگران اشتباه شنیده است. ماده ۶۹ تا به ماده ۷۲ منشور سازمان ملل متحد به فصل دهم تعلق دارند که مربوط به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد میشود. [xv] ماده ۷۴ هم به موضوع میعاد معاهدات ارتباط ندارد. [xvi]

آنچه را که میتوان در نظر گرفت کنوانسیون ۱۹۶۹ ملل متحد منعقد و یانا مربوط معاهدات میباشد ( *Treaty Series* ) که ماده ۴۵ آن معاهدات منعقد بعد از سال ۱۹۶۹ را تابع زمان مینمایند. این کنوانسیون به ماقبل خود رجعت نمیکند بنابر آن بالای معاهده دیورند و معاهده سال ۱۹۲۱ کابل قابل تطبیق نیست. [xvii]

## 4. موقف دولتهای بعدی افغانستان و سایر ممالک در مورد خط دیورند

### ۴-۱ موقف دولتهای افغانستان

بعد از گذشت نزدیک به هفتاد سال اعلامیه 1949 دولت افغانستان در مورد لغو معاهدات با هند برطانوی هنوز هم به قوت خود باقیست. در آنزمان دولت امریکا از ارجاع این منازعه به سازمان ملل متحد جلوگیری نمود. از آنسال به این طرف هیچ دولت افغانستان بشمول دولتهای سلطنتی، جمهوری داوود خان، جمهوری



دموکراتیک پرچم-خلق-وطن، جمهوری اسلامی مجددی، جمهوری اسلامی ربانی-مسعود، امارت اسلامی طالبان، و دولت جمهوری اسلامی موجوده افغانستان خط دیورند را به عنوان سرحد رسمی بین المللی افغانستان برسمیت نشناخته اند

#### ۲-۴ موقف دولت برطانیه

پس از آنکه شاه محمود خان در سال 1946 به صدارت رسید، نامه‌هایی به دولت بریتانیا فرستاد و خواستار تعیین سرنوشت پشتون‌های آن طرف خط دیورند شد، او در بحبوحه تقسیم و استقلال هندوستان در نامه‌های خود از بریتانیا خواسته بود: "برای پشتونها و بلوچ‌ها هم فرصت داده شود تا حکومت خود را تشکیل دهند یا به افغانستان بپیوندند".

اما دولت بریتانیا در برابر درخواست‌های شاه محمود نوشت: "سؤال سرحدات آزاد حل و فصل شده‌است و خط دیورند به حیث یک سرحد و حد فاصل بین‌المللی شناخته شده‌است. پیمان ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ هجری شمسی) هنوز مورد تطبیق و موجود است که خط قبلی دیورند را دوباره تأیید می‌کند" و همچنین به افغانستان هشدار داده بود، "پس از تحویل قدرت از حکومت هند بریتانیایی به هند و پاکستان، از هرگونه دخالت و اعمال تحریک‌آمیز خود داری کند".

#### ۳-۴ موقف دولت پاکستان در مورد خط دیورند

کشور پاکستان نیز در نخستین روزهای تشکیل خود در برابر ادعای افغانستان اعلان کرد:

"خط دیورند که در معاهده سال ۱۸۹۳ مشخص شده است، به حیث مرز بین‌المللی قابل اعتبار است که متعاقباً در چندین موارد، جانب افغانستان آن را تأیید نموده‌است. نقشه این خط بین‌المللی به هرگونه ادعای جانب افغانی در مورد خودمختاری ارضی یا نفوذ بر مردم شرق دیورند نقطه پایان گذاشته است. پاکستان بمتابه دولت جانشین هند بریتانوی مالک کامل این منطقه و مردم آن می‌باشد، حق و مسئولیت یک دولت جانشین را بدوش دارد"

افغانستان تنها کشوری بود که به عضویت پاکستان در سازمان ملل رای منفی داد. عبدالحسین عزیز نماینده افغانستان در سازمان ملل ابتدا در ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ به عضویت پاکستان در سازمان ملل رای منفی داد و ادعا کرد افغانستان ایالت سرحد شمال غربی را به عنوان بخشی از خاک پاکستان نمی‌پذیرد و تا زمانی که شرایط آزاد برای خودمختاری مردم این ایالت در پیوستن به پاکستان یا استقلال سرزمین شان مساعد نشود، افغانستان از این موقف خود دست نخواهد کشید. اما سپس نماینده مذکور در ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷ به عضویت پاکستان در سازمان ملل رأی مثبت داد و ابراز امیدواری کرد که هر دو کشور اختلافات خود را از راه مذاکره و دیپلماتیک حل کنند.

در اواسط نوامبر ۱۹۴۷ گفتگوهایی میان افغانستان و پاکستان در خصوص منازعه دیورند در کراچی صورت گرفت. در این گفتگوها نجیب‌الله خان نماینده افغانستان از عدم شناسایی موافقت‌نامه دیورند و بازگردانی سرزمین‌های از دست رفته در این معاهده صحبت نکرد و اکثر خواسته‌ها در محور اعطای حق خود مختاری به قبایل آزاد سرحدی، ارتقای سطح مادی و معنوی زندگی پشتونها در پاکستان و نامگذاری ایالت شمال غربی به نامی که معرف هویت قومی آن‌ها باشد، خلاصه می‌شد.

با افزایش جنگ سرد میان افغانستان و پاکستان، کشور پاکستان در ۱۲ جون ۱۹۴۹ قریه مغلگی پکتیا را بمباران کردند که در اثر آن ۲۳ نفر کشته شدند. سپس شورای ملی افغانستان و لویه جرگه تمام معاهدات قبلی افغانستان به شمول توافقنامه دیورند با حکومت هند بریتانیایی را ملغی اعلان کرد.

بآنکه دولت پاکستان رسماً در ظاهر قضیه دیورند را حل شده و مسدود میداند (خط دیورند یک قضیه حل شده است، روزنامه تریبیون اکسپرس پاکستان به نقل از وزارت خارجه پاکستان 2012[xviii]) اما در باطن همواره کوشیده است دولتهای افغانستان رسماً این خط را به عنوان سرحد بین المللی میان دو کشور برسمیت بشناسند.

#### ۴-۴ موقف امریکا

کشور ایالات متحده آمریکا در خصوص مسئله دیورند از پاکستان حمایت کرده و از افغانستان همواره خواسته تا به مسئله دیورند پایان ببخشید. همچنین دولت آمریکا در سال ۱۹۴۹ از ارجاع این منازعه به سازمان ملل متحد که از سوی افغانستان ارائه شده بود، جلوگیری به عمل آورد. در زمان داوودخان کشور آمریکا حمایت خود را از دولت او مشروط به رسمیت شناختن مرز دیورند ساخت.

#### ۴-۵ موقف افغانستان در یک محکمه بین المللی

یکی از بیننده گان برنامه دورنما تلویزیون زرین سوال کرده بود که آیا موقف افغانستان در یک محکمه بین المللی امکان پیروزی دارد؟ جواب من به این سوال مثبت است. بلی اگر دولت افغانستان در یک محکمه حکمیت بین المللی تقاضا کند سرزمین هایپرا که بر اساس معاهده دیورند از دست داده بود دوباره به خاک خود ضمیمه کند شانس پیروزی ادعای او فوق العاده زیاد است؟ چگونه؟ و چرا چنین ادعایی تا حال نکرده است؟ اگر افغانستان ضمیمه کردن مناطق قبایل آزاد سرحدی را به قلمرو خود از یک محکمه بین المللی تقاضا کند امکان پیروزی این ادعا چگونه خواهد بود؟

#### ۴-۶ مشوره کتبی مشاور حقوقی خود دولت بریتانیا!

به تأیید لودویک ادامک، معاهده کابل برای سه سال قابل اعتبار بود. طرفین میتوانند با اطلاع قبلی یکسال این معاهده را فسخ نمایند. بنابر همین نکته انگلستان همیشه از فسخ یکجانبه معاهده دیورند توسط دولت افغانستان ترس داشت ( لودویک دبلیو ادامک، پروفیسور در پوهنتون آریزونا، دکشنری تاریخی افغانستان). [xix]

بر اساس "قانون آزادی هندوستان سال 1947" دولت مستقل هندوستان و دولت جدید پاکستان متشکله 15 اگست 1947 و ارث هند برطانوی آنچنانکه در "قانون 1935 دولت هندوستان" تعریف شده است، میباشد. بر اساس قانون دولت هندوستان منعقد شده سال 1935، مناطق آزاد قبایلی آنطرف خط دیورند شامل قلمرو هند برطانوی نبودند. این مطلب را طوریکه قبلاً دیدیم شخص خود مورتم دیورند بعد از عقد معاهده دیورند نیز تأیید کرده بود. مناطق آزاد قبایلی بصورت مناطق حایل در فاصله میان سرحدات ایالت شمال-غرب دولت هند برطانوی و خط دیورند در شرق و جنوب قلمرو افغانستان واقع شده اند.

بنابر آن با ایجاد کشور پاکستان به حیث وارث قلمروهای هند برطانوی در غرب هندوستان مناطق قبایلی شامل قلمرو کشور پاکستان نمیشدند.

شواهد نشان میدهد که این مطلب حساس را مشاور حقوقی دولت بریتانیا در 5 نوامبر سال 1947 نیز نمیدانست. مشاور حقوقی دولت بریتانیا در انزمان به دولت خود مشوره داد که هرگاه از یک محکمه بین المللی تقاضا شود که آیا پاکستان وارث سرحدات بین المللی مطابق به ماده دوم معاهده سال 1921 کابل میباشد یا خیر، به نفع پاکستان نظریه داد.

در 28 اپریل سال 1949 طی یک نامه اشد محرمانه دفتر روابط کامنولث دولت بریتانیا مشاور حقوقی دولت بریتانیا را مطلع ساخت که "...ایالت شمالغرب دولت هند برطانوی تا سرحد افغانستان امتداد ندارد و مناطق قبایلی یک خالیگاه میان سرحد دولت هند برطانوی و سرحد هندوستان را تشکیل میدهند". از مشاور حقوقی تقاضا شد که با در نظر داشت این موضوع بالای مشوره سال 5 نوامبر سال 1947 خود تجدید نظر کرده در مورد نظریه تازه ارایه کند.

در 28 اپریل سال 1949 مشاور حقوقی دولت بریتانیا مجدداً نظریه داد که:

"در 15 اگست سال 1947 (زمان تشکیل کشور و دولت پاکستان)، بنابر آن، مناطق قبایلی ایالت شمالغرب در حالت بین المللی سردرگم قرار گرفته، مربوط به هیچ دولتی نشدند. در چنین حالتی مناطق قبایلی مستقل از پاکستان بوده باوجودیکه یک سلسله روابط گمرکی، مخابراتی و غیره از این قبیل با آن دارد، معلوم میشود که پاکستان نمیتوانست وارث سرحدی باشد که در معاهده سال 1921 با افغانستان تعیین شده بود و یا وارث هرگونه حقی باشد مطابق ماده دوم این معاهده باشد. باوجود آن این به این معنی نیست که خط دیورند بعد از این سرحد بین المللی افغانستان نمیشد... اما این امکان وجود دارد که پاکستان نتواند کدام اعتراض قانونی نماید در صورتیکه قبایل خود را تحت حمایت افغانستان قرار دهند و یا با توافق اقوام، افغانستان این مناطق را ضمیمه خاک خود کند...." (منبع: لودویک دبلیو ادامک، دکشنری تاریخی افغانستان، سال ،

[xx](2012).

## 5. خط دیورند و مناسبات سیاسی با پاکستان

### ۵-۱ اهمیت قضیه خط دیورند

از سال 1893 م به اینطرف و بخصوص بعد از ایجاد پاکستان تا امروز مسئله خط دیورند به حیث یک عنصر اساسی سیاست خارجی دولت افغانستان باقیمانده است. برای افغانستان از دست دادن مناصف قلمروهای پشتون نشین و از دست رفتن دو سوم حصه نفوس بزرگترین قوم کشور است. بر اساس احصاییه های رسمی پاکستان نفوس پشتونهای آنطرف خط دیورند در حدود 40 میلیون نفر حساب شده است که بعد از پنجابی ها دومین قوم پرنفوس در پاکستان به شمار می آیند. برعلاوه با از دست دادن بلوچستان، افغانستان دسترسی به آبهای بحیره عرب و بحر هند را بجز از طریق خاک پاکستان از دست داد. طوریکه دیدیم دولتهای متواتر افغانستان در طول ۱۲۵ سال گذشته خط دیورند را به عنوان سرحد بین المللی قبول نکرده و آزادی رفت و آمد مردم قبایل دو طرف خط را تأمین کرده اند. بعد از ایجاد دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال 2001 سیاست رسمی دولت در مورد قضیه دیورند آن بوده که **حل قضیه دیورند مربوط به اقوام دو طرف خط بوده و دولت افغانستان صلاحیت تصمیم گیری را در موضوع ندارد**. رییس جمهور کرزی روز شنبه 14 ثور 1392 در یک کنفرانس خبری در کابل گفت حملات سرحدی از سوی پاکستان دو دلیل دارد: یکی جلوگیری از پیشرفت و ترقی افغانستان و دومی، فشار برای به رسمیت شناخته شدن خط دیورند. کرزی گفت: "دلیل دوم شاید این باشد که مردم افغانستان مجبور شوند تا سر خط دیورند به مذاکره بنشینند و این خط دیورند را به رسمیت بشناسند".

آقای کرزی تأکید کرد تمام تلاش ها برای جلوگیری از پیشرفت افغانستان و همچنین به رسمیت شناختن خط دیورند، نتیجه ای نخواهد داد: "آن هایی که به این اقدامات وحشت و دهشت دست می زنند، کامیابی حاصل نمی کنند. ملت افغانستان از روزی که انگلیس ها این خط را ایجاد کردند، آن را نپذیرفته اند" (به نقل قا و بسایت صدای آلمان).

برای پاکستان مسئله دیورند یک مسئله حیات و ممات است. مناطق مورد دعوا در حدود 60% خاک پاکستان را احتوا میکند. احتمال اینکه پاکستان فیصله یک محکمه بین المللی را برای واپس دادن مناطق غضب شده خط دیورند به افغانستان داوطلبانه قبول کند بسیار کم خواهد بود. از جانب دیگر قدرتهای جهانی منجمله امریکا، انگلستان و چین نیز در دفاع از پاکستان شدیداً با این موضوع مخالفت خواهند کرد.

در طول سالهای جنگ سرد، تبارز افغانستان به عنوان دوست شوروی و پاکستان به مثابه هم پیمان نظامی امریکا و اختیلافات این دو در قضایای جهانی و منطقوی، سبب آن شد تا مسئله دیورند هم چنان لاینحل باقیمانده و به آن توجه جدی صورت نگیرد.

کودتا های 26 سرطان 1353، و متعاقب آن کودتای 7 ثور 1357 و پناهندگی یکتعداد چهره های سیاسی افغانستان بدولت پاکستان برای دولت پاکستان یک شانس طلایی فراهم کرد تا دولتهای افغانستان را بی ثبات نموده، ساقط کند و دولت و اردوی افغانستان را نابود نماید و افغانستان آنقدر قوی نسود که بتواند یکجانبه سرحدات فعلی با پاکستان را تعدیل نماید.

با ایجاد دولت مجاهدین در سال 1992 پاکستان عملاً به این آرزوی خود دست یافت، و قادر شد ساختمان اداره دولت و نیروهای امنیتی افغانستان را کاملاً تخریب نموده در نهایت یک رژیم قرون وسطایی طالبان را در افغانستان مستقر نماید. بعد از ایجاد دولت جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس کنفرانس بن، با وجود تظاهر به حسن نیت، پاکستان هیچ فرصتی را برای بی ثبات کردن افغانستان و دولت جدید آن از دست نداد.

## ۵-۲ سیاست لوی افغانستان

کسانی هم هستند که آرزومند "لوی افغانستان" با اتحاد اقوام پشتون و بلوچ آنطرف خط دیورند میباشند. با توجه به آنکه پاکستان شش برابر افغانستان نفوس دارد و دارای یک اردوی بسیار قوی و همچنان اقتصاد بزرگتر است راهبیکه افغانستان قادر خواهد شد سرزمینهای از دست رفته خود را باز پس بگیرد عبارت خواهند بود از:

• سقوط دولت پاکستان؛

• به احتمال زیاد در نتیجه جنگ چهارم با هندوستان؛

• بروز یک جنگ داخلی در پاکستان؛

• بروز یک انقلاب داخلی در پاکستان؛

• و یا تمام امکانات فوق.

برای پیشگیری از سناریوهای فوق پاکستان همچنان به یک حامی خارجی نیاز دارد و این حامی خارجی زمانی امریکا بود و امروز این نقش را چین به عهده گرفته تا از موجودیت پاکستان در مقابل هندوستان ضمانت نماید.

اخیراً قیام ملیونی پشتونهای آنطرف خط دیورند تحت عنوان "جنبش حفاظت پشتونها" تحت قیادت منظور پشتین امیدواریهی فراوانی را در میان طرفداران جنبش "لوی افغانستان" ایجاد کرده است. این قیام در حالت نطفوی بوده تاکنون تشکل لازم با اهداف مشخص را نیافته است. اهداف اعلان شده جنبش برابری پشتونها در تمام زمینه ها با سایر اقوام ساکن پاکستان میباشد. رهبران این جنبش از مسدود شدن پیهم راههای تجارتي ومواصلاتی با افغانستان شکایت کرده و مدعی اند که این سیاست پاکستان منجر به ورشکستگی اقتصاد مناطق آزاد قبایلی یا فاتا ( FATA ) شده است. آنها میگویند رهبران پنجابی با وجود اختلافات سیاسی با هندوستان همیشه بندر واگه را با هند باز نگهداشته اند در حالیکه برعکس بنادر با افغانستان را متواتر مسدود

میکنند. آصف غفور سخنگوی اردوی پاکستان گسترش این جنبش را کار اداره امنیت ملی افغانستان قلمداد کرده از حمایت گسترده پشتونهای ساکن افغانستان که در رسته های اجتماعی منعکس شده در هراس هستند. (وبسایت انگلیسی گندهارا تاریخ 11 اپریل 2018).

## 6. نتیجه و راههای عملی حل قضیه

### ۶-۱ شناخت رسمی خط دیورند یا همه پرسی عمومی در میان اقوام پشتون و بلوچ پاکستان

شناختن خط دیورند از جانب افغانستان در بدل ختم حمایت پاکستان از طالبان و سایر گروههای تروریستی. امکانات این راه حل بسیار کم است. مسئله خط دیورند برای دولت افغانستان به مثابه یک مسئله ناموسی است. از جانب دیگر دولت پاکستان هرگز قبول ندارد که حامی عملیات نظامی طالبان میباشد.

حل این مسئله از طریق مذاکرات جانبین و رسیدن به یک راه حل؛ بطور مثال توافق به تطبیق یک ریفراندم یا همه پرسی عمومی در میان اقوام پشتون و بلوچ پاکستان تحت نظارت ملل متحد و دادن حق انتخاب به آنها برای برگزیدن

• دوام حاکمیت پاکستان،

• پیوستن به افغانستان و یا

• استقلال سیاسی.

راه حل دومی یگانه راه منطقی به نظر می آید و با توجه به ادعای پاکستان که اقوام پشتون و بلوچ ساکن پاکستان در 125 سال حاکمیتهای هند برطانوی و پاکستان کاملاً با سایر مردم پاکستان، منجمله پنجابی ها و سندیهها از جهات فرهنگی، سیاسی، اداری مدغم شده اند، پاکستان نباید در این مورد کدام مشکلی را ببیند. اما امکان اینکه مردمان پستون و بلوچ راه حل استقلال سیاسی و ایجاد کشور مستقل خود را انتخاب کنند بسیار زیاد موجود است. از این رو توافق پاکستان در این مورد بسیار نا ممکن به نظر میخورد.

### ۶-۲ ایجاد یک پارتنرشپ فعال همکاری افغانستان و پاکستان

بنابر آن یگانه راه منطقی در مقابل سیاستمداران افغانستان و پاکستان آن است تا با ایجاد یک پارتنرشپ فعال همکاری منطقی در زمینه های انکشاف اجتماعی قبایل سرحدی، انرژی، ترانسپورت، تعلیم و تربیه، تجارت، ساینس و تکنالوژی، ایجاد بازارهای ازاد تجاری، باز کردن بیش از پیش نقاط عبور و مرور بندری

برای اقوام سرحدی، مسئله خط دیورند را عملاً از اهمیت به اندازند. من این پیشنهاد را بیش از دو سال قبل کرده بودم.

شواهد نشان میدهد که رییس جمهور اشرف غنی نیز به همچون راه حلی عقیده دارد. اشرف غنی به مجرد گرفتن زمام قدرت برای ایجاد همچو یک پارتنر شب با پاکستان اقدام کرد و با دادن دست دوستی و امتیازات بدولت پاکستان، با وجود مخالفت‌های زیاد داخلی اولین گام را جلو گذاشت. متأسفانه این ابتکارات همکاری نزدیک سازمان‌های اردو و امنیتی دو کشور و آمادگی برای ایجاد طرح‌های مشترک اقتصادی و ترانسپورتی با پاکستان از جانب پاکستان عکس العمل مناسب دریافت نکرد. در نتیجه نتایج مطلوبی را در تقلیل میزان جنگ در افغانستان و فعالیتهای تروریستی طالبان به میان نه آورد؛

برعکس پاکستان از یکطرف به بی ثبات ساختن مزید افغانستان از طریق تشدید فعالیتهای تروریست طالبان و سایر گروه‌ها مبادرت کرد تا ز خلای ایجاد شده با خروج قوای ناتو حد اکثر استفاده را در قسمت نظامی بکند. از جانب دیگر به ایجاد موانع ویژه و پاسپورت، احداث دیورها و خندقها و موانع سیم خار دار در طول خط دیورند پرداخت.

راه حل مشکلات سرحدی دوکشور موانع ویژه و پاسپورت، احداث دیورها و خندقها و موانع سیم خار دار نیست. این پالیسیها نه در میان دو آلمان موفق شدند و نه در کوریا موفق هستند. اگر حسن نیت موجود باشد و تروریزم از جانب دستگاههای امنیتی دولتها حمایه نگردد تزیید تعاملات و آزادی رفت و آمد ها و معاملات تجارتی و اجتماعی به مرور زمان مسئله خط دیورند را در عمل حل میکند.

بزرگترین میراث استعمار گران اروپایی ایجاد سرحدات مصنوعی بر منبای منفع نظامی و سیاسی استعماری زمان گذشته میباشد که با توجه به تاریخ و فرهنگ و تقسیمات قومی کشورها امروز قابل فهم نیستند. مشکل خط دیورند یکی از مثالهای بارز این چنین خطوط سرحدی غیر عادلانه استعماری است که در هفتاد سال گذشته بر مناسبات دو کشور افغانستان و پاکستان سایه انداخته و هرگاه از طرف سیاستمداران این دوکشور آگاهانه با آن مقابله نشود، همچنان سایه خواهد انداخت.

(پایان)

یادداشتها و مآخذ

[i] Federally Administered Tribal Areas( FATA)

[ii] CHAPTER X: THE ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL -Article 69: The Economic and Social Council shall invite any Member of the United Nations to



participate, without vote, in its deliberations on any matter of particular concern to that Member.

CHAPTER XI: DECLARATION REGARDING NON-SELF-GOVERNING TERRITORIES Article 74 Members of the United Nations also agree that their policy in respect of the territories to which this Chapter applies, no less than in respect of their metropolitan areas, must be based on the general principle of good-neighbourliness, due account being taken of the interests and well-being of the rest of the world, in social, economic, and commercial matters.

[\[iii\]](#) موننتیوارت الفونستون، گذارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس.

[\[iv\]](#) رنجیت را در عقب انگلیسها همکاری نمود تا یک دیوار باشد تا افغانها نتوانند به مردم هند در مقابل انگلیسها کمک نمایند. مهاراجه های هندوستان در سالهای اخیر قرن هژدهم از زمانشاه پادشاه افغانستان طلب کمک کرده بودند. دلیل ان این بود که انگلیسها موقع یابد تا اول تمامی مناطق هند جنوبی را در تحت کنترل آورده پس از آن دیوار رنجیت سنگ را که هر دو طرف دشمن درانتظارش است ازبین خواهد برد؛ و انگلیسیها همین عمل را اجرا کردند. زمانیکه رنجیت فوت نمود. انگلیسها اولاً دولت افغان را ضعیف ساختند پس از ان بالای پنجاب حمله نموده توسط معاهده جمروود با امیر دوست محمد خان پنجاب را از خاک افغان جدا کردند. سپس مناطق پشتون خواه امروزی را توسط معاهده دیورند در ۱۸۹۳ از خاک افغانستان جدا کردند.

[\[v\]](#) در زمان دوست محمدخان، ولیعهد او غلام حیدر خان در تاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵، معاهدهای که به **معاهده جمروود** شناخته شده است را با سر جان لارنس، گورنر جنرال پنجاب امضا نمود و باعث شد مناطق ولایات سواحل راست سند و بلوچستان رسماً به انگلیسها تسلیم گردیدمادههایی از معاهده که منجر به جدایی مناطق ولایات سواحل راست سند و بلوچستان از افغانستان شد.

• ماده اول: مابین آنریبل ایست اندیا کمپنی و جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن ممالک افغانستان که در قبضه او می باشد، و ورثای امیر مذکور صلح و دوستی دوامی خواهد بود. — میر غلام محمد غبار ، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۸۳-۵۸۴

• ماده دوم: آنریبل ایست کمپنی معاهده می نماید که احترام آن علاقه جات افغانستان را که حالا در تصرف امیر مذکور می باشند، بکنند و ابدأ در آن ها مداخله ننمایند. — میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۸۳-۵۸۴

• ماده سوم: جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن علاقه جات افغانستان که حالا در قبضه او می‌باشند، عهد می‌نماید از طرف خود و از طرف ورثای خود علاقه جات آنریبل ایست کمپانی را احترام نماید و ابداً در آن‌ها مداخله ننمایند، و با دوستان آنریبل ایست اندیا کمپانی دوست باشند و با دشمنان کمپانی مذکور دشمن باشند. — میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۸۳-۵۸۴

[vi] بعد از اشغال جلال آباد، کابل و قندهار توسط قوای انگلیسی در سال م استعمارگران انگلیسی معاهده معروف به گندمک را بالای امیر محمد یعقوب خان که بعد از وفات پدرش امیر شیرعلی خان جانشین او شده بود تحمیل کردند. بر اساس این معاهده ده ماده‌ای معاهده گندمک که سر لویس کیوناری، نماینده سیاسی انگلیس آنرا بالای یعقوب خان تحمیل کرده بود، انگلیسها علاقه کرم تا ابتدای جاجی، دره خبیر تا کناره شرقی هفت چاه، لندی کوتل و سیبی وپشین را تا کوه کوژک غضب نموده استقلال افغانستان را در امور خارجی نیز بدست گرفتند .

[vii] شاه شجاع در توافق‌نامه ۱۸ ماده‌ای، سه جانبه لاهور که در تاریخ ۲۶ جون ۱۸۳۸ میان ایشان، رنجیت سنگ پادشاه پنجاب، مکناتن نماینده حاکم بریتانیایی هند امضا شده بود، تجزیه و جدا شدن سرزمین‌های جنوبی و غربی افغانستان را قبول کرد ماده‌هایی از این توافق‌نامه که منجر به تجزیه افغانستان شد: ماده اول: تمام نقاط و علاقه جات که در دوطرف رود سند واقع و جزء علاقه کشمیر تا حدود شرقی و غربی و شمال و جنوبی اتک و توابع پشاور و یوسفزایی و کوهات و سایر توابع پشاور تاحد خبیر و وزیر و وتانک و کرانک و کاله باغ و دیره اسماعیل و توابع آن و علاقه جلت ملتان و تمام ملحقات آن را خانواده سدوزایی به ملکیت و حاکمیت «رنجیت سنگ پاد شاه سیکها» تصدیق کرده و خانواده سدوزایی نسلماً بعد نسل و بطناً بعد بطن هیچگونه ادعایی به نقاط مذکور و ممالک موصوفه نخواهد داشت و ممالک مذکور متعلق به «رنجیت سنگ» و خانواده اونسلماً بعد نسل و بطناً بعد بطن خواهد بود.

[viii] In an interview with Durand quoted by Leitner, G. W. (1897) 'The Amir, the Frontier Tribes and the

Sultan', *The Asiatic Quarterly Review Series 3*, p.4, 237, quoted by Kakar, M. H. (2006) *A Political and Diplomatic History of Afghanistan, 1863-1901*, London: Brill, Omrani, B. and Ledwidge, F, *op. cit.*

[ix] The [Durand Line](#) of 1893 divided zones of responsibility for the maintenance of law and order between British India and the kingdom of Afghanistan; it was never intended as a de jure international boundary.

Encyclopædia Britannica, inc., **Date Published:** December 07, 2016,

URL:<https://www.britannica.com/place/Afghanistan/DustMohammad-1826-39-1843-63>, **Access Date:** April 02, 20).

[x] Sir Alfred Hamilton Grant Foreign Secretary of the Government of India 1914-1919

[xi] Ali Ahmad Khan, commissary for home affairs.

[xii] Also called "Treaty of Kabul" because it was negotiated and signed at Kabul by Henry R. C. Dobbs, the British envoy, and Mahmud Tarzi, chief of the Afghan delegation, after arduous, eleven month negotiations.

The treaty restored "friendly and commercial relations" between the two governments after the third Anglo-Afghan War and negotiations at the Mussoorie Conference and Rawalpindi.

The negotiations proceeded in four phases:

1. During the first session, January 20 to April 9, 1921, the Afghan Amir unsuccessfully demanded territorial concessions, while Britain wanted the exclusion of Russian consular offices from southeastern Afghanistan.
2. In the second phase, from April 9 to mid-July, 1921, Britain asked Afghanistan to break the newly established diplomatic with Russia in exchange for a subsidy of 4 million rupee and weapons, as well as guarantees from unprovoked Russian aggression. (26 May 1921, Treaty between USSR and Afghanistan; diplomatic representatives exchanged.)
3. When in the third stage, from mid-July to September 18, the British foreign office informed the Italian government that it was about to conclude an agreement

which would, "admit the superior and predominant political influence of Britain" in Afghanistan, the Afghans refused to accept an "alliances." An exclusive treaty was impossible after Afghanistan announced ratification of the Russian-Afghan treaty of 1921.

4. In the fourth and final stage of negotiations, from September 18 to December 8, 1921, the British mission twice made preparations to return to India, when finally an agreement was signed at Kabul on November 22, 1921. Ratifications were exchanged on February 6 of 1922.

In the treaty both government

- "mutually certify and respect each with regard to the other all rights of internal and external independence."
- Afghanistan reaffirmed its acceptance of the boundary west of the Khaibar, subject to minor "re-alignment."
- Legations were to be opened in London and Kabul, consulates established in various Indian and Afghan towns, and
- Afghanistan was permitted to import arms and munitions through India. No customs duties were to be charged for goods in transit to Afghanistan and
- each party agreed to inform the other of major military operations in the frontier belt.
- Representatives of both states were to meet in the near future to discuss conclusion of a trade convention, which was signed in June 1923.

[Source: The A to Z of Afghan Wars, Revolutions and Insurgencies, By Ludwig W. Adamec, pages 61-63. Scarecrow Press Inc, Maryland, 2005.]

[\[xiii\]](#) Treaty of Kabul signed in 1921 was made for three years

Not all pending anomalies were resolved and there remained yet more territorial disputes between the two Governments, along with other diplomatic issues of conflict. Therefore, this treaty included a clause which gave either of the “High Contracting Parties” the right to unilaterally denounce the Treaty after giving one year’s notice. The treaty was made for three years in the first instance, and is now subject to denunciation by either party with 12 months’ notice. As the Treaty was only a temporary arrangement and that the provisions of this treaty shall come into force from the date of its signature, and shall remain in force for three years from that date. In case neither of the High Contracting Parties should have notified 12 months before the expiration of the said three years the intention to terminate it, it shall remain binding until the expiration of one year from the day on which either of the High Contracting Parties shall have denounced it. ( National Archives of India (1921) ‘Texts of the Treaty of Kabul, 1921’, Foreign Department, Sec. F, 147/78, pp.1469.)

[\[xiv\]](#) Lord Birkenhead in a memorandum circulated in June 1925 assessed the same when he mentioned that “the treaty was made for three years in the first instance, and is now subject to denunciation by either party with 12 months’ notice.” (Source: National Archives of UK (1925) ‘Afghanistan’, Record Type: Memorandum, 9 June, Reference: CAB, 24/173/88.)

[\[xv\]](#) ماده ۶۹: شوراي اقتصادي و اجتماعي از هر يك از اعضاي ملل متحد براي اشتراك در مذاكرات مربوط به هر موضوعي كه آن عضو به نحو خاصي در آن ذينفع است دعوت خواهد كرد بدون آنكه عضو مزبور حق راي داشته باشد. ماده ۷۳ تا به ماده ۷۴ شامل فصل يازدهم اند كه مربوط به «اعلاميه راجع به سرزمينهاي غير خودمختار» ميشود.

[\[xvi\]](#) ماده ۷۴: اعضاي سازمان ملل متحد همچنين موافقت مي كنند كه خط مشي آنها چه در سرزمينهاي مشمول مقررات اين فصل و چه در قلمر خاك اصلي خود آنها در امور اجتماعي، اقتصادي و تجارتي با

رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان بر اساس اصل کلی حسن همجواری استوار باشد.

[xvii] Article 45(a) of the VCLT does not apply in the case of Treaty of Kabul and the dispute over it between Afghanistan and Pakistan. It applies to treaties entered into after 1969. Thus, the Treaty of Kabul is subject to International Laws independently and therefore, Afghanistan had never lost the legal right to denounce and repudiate the arrangements made under Treaty of Kabul, as per Article XIV of the Treaty.

Source: VCLT - United Nations (1969) 'Vienna Convention of Law of Treaties', *Treaty Series*, vol. 1155, p.331. Available online at [http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1\\_1\\_1969.pdf](http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf), accessed, 18 February 2013.

[xviii] The Express Tribune (2012) 'Splintering Relations: Durand Line is a 'settled issue', says FO',

[xix] The A to Z of Afghan Wars, Revolutions and Insurgencies, By Ludwig W. Adamec, pages 61-63. Scarecrow Press Inc, Maryland, 2005.

[xx] Ludwig W. Adamec, 1967, *Afghanistan 1900-1923, A Diplomatic History*, Berkeley University Press, USA.

*Afghanistan: A "Spy" Guide*, By International Business Publications Staff, Global Investment and Business Center, Inc. Staff, USA

· میر غلام محمد غبار. *افغانستان در مسیر تاریخ*. چاپ چهارم. مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری، س ۱۳۶۸. ص ۵۸۳-۵۸۴.

· مونسوارت الفونستون "گزارش پادشاهی کابل و توابع آن در تارتاری، فارس و هندوستان"، در دو جلد بزبان انگلیسی، چاپ لندن، 1842م

· افغانستان در پنج قرن اخير، ميرمحمد صديق فرهنگ، جلد اول، انتشارات محموفايي، چاپ دوم قم 1374 شمسي.

· افغانستان در مسير تاريخ، مير غلام محمد غبار، جلد اول، صحافي احساني، قم 1375 شمسي

· تاريخ مختصر افغانستان، عبدالحی حبيبي، چ. سوم 1377 هـ.ش دانش کتابخانه پيشاور

· تاريخ روابط سياسي ايران و انگليس در قرن نهم ميلادي، محمود محمود، چاپ چهارم، تهران 1353 هـ.ش.

· وبسيات انگليسي گندهارا تاريخ 11 اپريل 2018

· روزنامه اکسپرس تريبيون پاکستان